**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و دوم\_13 اسفند 1398**

در تقریرات مرحوم شیخ اشکال سوم را که مطرح می کند، عبارتش نشان می دهد که مورد بحث ما اقل و اکثر استقلالی است در صفحه 213 ولی در صفحه 214 عبارت صحیح تر است آن تعبیر دیروز ما ناظر به صفحه 213 بود و مسامحه در انجا رخ داده است.

اما اشکال چهارم با این تصحیح. در تقریرات شیخ اشکال چهارم اینگونه تقریر شده است صفحه 214، جلد سوم؛

الرابع : سلّمنا العلم الإجمالي في الطرق الموجودة المتباينة لكنّه مع ذلك كلّه لا ينهض على المدّعى

بسیار خوب جناب صاحب فصول ما قبول کردیم به این که علم اجمالی داریم نه قدر متیقن که یکی از طرق موجوده ظنیه متباین با یکدیگر مثل اجماع، شهرت و ... یکی از این ها طریق است. لکن مع ذلک مدعای شما اثبات نمی شود چون شما می خواهی بگویی یکی از اینها را شارع طریق قرار داده است به ان عمل می کنیم؛ چرا برای مدعای شما کافی نیست؟

فإنّ قضية العلم الإجمالي بالاشتغال في دوران الأمر بين المتباينين ـ كما هو المفروض ـ هو تحصيل البراءة القطعية(احتیاط) من الإتيان بجميع المحتملات ، فإنّ القطع بالاشتغال ، يقضي بالقطع بالامتثال (اشتغال ذمه یقینی برائت یقینی می خواهد )، فلا يتمّ ما ذكره من استعلام حال (2) المعلوم المردّد بإعمال الظنّ.

پس نوبت به این که بررسی کنیم حال آن معلوم مردد را با اعمال ظن، این تمام نیست، چون زودتر از ان ما احتیاط را داریم.

این عبارت اولیه جناب الشیخ در تقریرات.

قال الشیخ فی الرسائل: و دعوی: (أن الامر دائر بین الواجب و الحرام، لان العمل بما لیس طریقا حرام)، مدفوعة: بأن العمل بما لیس طریقا إذا لم یکن علی وجه التشریع غیر محرم و العمل بکل ما یحتمل الطریقیة رجاء أن یکون هذا هو الطریق لا حرمة فیه من جهة التشریع.

یک مقدمه ایی را اینجا عرض می کنم وارد توضیح عبارت می شوم و ان این است که تشریع یعنی عمدا مطلبی را به دین نسبت دهم به عنوان عملی دینی انجام دهم و حال ان که ثابت نشده است که این جزء دین است. یا قولم نشان استناد به دین بدهد یا عملم نشان از استناد به دین باشد. این بدعت است. اما اگر ما به یک راهی عمل کردیم نه به عنوان تشریع، بلکه به عنوان رجاء این عمل دیگر از باب تشریع حرام نیست. این که کسی ادعا کند امر دائر است بین واجب و حرام، شما بگویید حرام چیست؟ حرام ان چیزی است که شرعا طریق نیست و اگر من بر طبق ان عمل کنم حرام است پس اینجا امر دائر بین واجب و حرام است، خب شما ادامه بدهید. باشد.

و لا وجه للاحتیاط فی مثل المقام (این عبارت را در تقریرات دارد اضافه کنید به اینجا)

یعنی ان جا که امر دائر بین واجب و حرام باشد، جای احتیاط نیست. خب همانطوری که ما می دانیم شارع یک راه واجب العملی نصب کرده است، می دانیم یک اماره باطلی هم اینجا هست که عمل بر طبق ان حرام است ان وقت شما اینجا چطور می خواهی احتیاط کنی؟

شیخ می گوید این ادعا مدفوعةٌ به این که عمل کردن به ان چیزی که طریقیت ندارد اگر به قصد تشریع نباشد حرام نیست و العمل بکل ما یحتمل الطریقیه، اگر عمل بکنم به هر چیزی که احتمال طریقیت در ان هست، رجاء به این که این همان طریق باشد این حرام نیست من جهة التشریع چون تشریعی صورت نمی گیرد.

در تقریرات یک اشکال دیگری هست به صورت فان قلتَ

فان قلتَ نهایت این است که اینجا از راه تشریع حرام نیست اما ما یک عموماتی داریم که ان عمومات نهی می کند از عمل به غیر علم، انّ الظن لا یغنی، همان ها کافی است که شما مثل قیاس را کنار بگذارید و سراغ اصول دیگر بروی. سراغ راه های دیگر بروی. چرا ان ها را کنار می گذاری؟ سراغ احتیاط می روید بر مبنای اینکه یکی از انها هم قیاس باشد؟

قال فی الرسائل: نعم، قد عرفت أن حرمته مع عدم قصد التشریع إنما هی من جهة أن فیه طرحا للاصول المعتبرة من دون حجة شرعیة.

شما وقتی سراغ این احتیاط می آیی، اصول معتبره ایی را بدون این که حجتی بر ان داشته باشی کنار می گذاری در حالی که آیات و روایات می گوید سراغ مظنه نرو، تو ان طرق معتبره را کنار می گذاری می آیی سراغ این. حرمت احتیاط اگر به قصد تشریع هم نباشد از جهت طرح اصول معتبره است من دون حجة شرعیه. حال ببین این جا محقق می شود یا نه؟

و هذا أیضا غیر لازم فی المقام،(این هم در اینجا محقق نمی شود) لان مورد العمل بالطریق المحتمل إن کان الاصول علی طبقه فلا مخالفة

شما می گویید سراغ احتیاط نرو، سراغ اصول برو خب سراغ اصول معتبره ایی بروم که عملا نتیجه اش احتیاط باشد خب این که مخالفتی نشد. یک استصحاب می کنم بقای تکلیف را خب این استصحاب با احتیاط یکی است.

و إن کان مخالفا للاصول: (چند شق دارد)1. فإن کان مخالفا للاستصحاب النافی للتکلیف فلا إشکال، لعدم حجیة الاستصحابات بعد العلم الاجمالی بأن بعض الامارات الموجودة علی خلافها معتبرة عند الشارع

ما در محل خودش گفتیم اگر یک جا استصحاب داشتیم ولی در مقابلش می دانستیم اماراتی داریم که این امارات شرعا معتبر است و بر خلاف آن استصحاب است، اینجا آن استصحاب حجت نیست.

اگر این احتیاط مخالف استصحاب باشد این مشکلی ندارد چون استصحابی که علم اجمالی داشته باشم امارات معتبره ایی بر خلافش هست، آن استصحاب حجت نیست. خب اینجا هم از همان است.

2. و إن کان مخالفا للاحتیاط، فحینئذ یعمل بالاحتیاط فی المسألة الفرعیة و کذا لو کان مخالفا للاستصحاب المثبت للتلکیف فحاصل الامر یرجع إلی العمل بالاحتیاط فی المسألة اصولیة، أعنی نصب الطریق إذا لم یعارضه الاحتیاط فی المسألة الفرعیة. فالعمل مطلقا علی الاحتیاط.

اگر ما احتیاط کنیم 1. یا در برابر احتیاطمان اصول موافق احتیاط داریم که هیچ. 2. یا اصولی مثل استصحاب داریم که مخالف احتیاط است و در محل خودش گفته اییم استصحابات در جایی که علم اجمالی داشته باشیم به وجود امارات معتبره علی خلافها حجت نیست، 3. یا در برابرش احتیاط فقهی داریم این هم سومی می شود ما اینجا احتیاط می کنیم به همان مساله فقهیه و نتیجه اش هم ان می شود که بالاخره مرجع نشد ظنون. مرجع شد احتیاط در مساله اصولیه. اگر در برابر این احتیاط در مساله اصولیه معارضی به نام احتیاط در مساله فقهیه فرعیه نداشته باشیم. پس بالاخره یا عمل می کنیم به احتیاط در مساله اصولیه یا عمل می کنیم به احتیاط در مساله فقهیه.

توضیح بیشتری نیاز داریم ان شاء الله جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.